

موج جدید...

په از صفا ۱

میکوشند مبارزه مردم را بر ضد دشمن اصلی - آمریکا از مسیر خود منحرف سازند؛ این فریب خوردگان چهره همدند که به نام دشمن افتاده اند و از مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا دست برداشته اند و عملاً در کنار ضدانقلاب قرار گرفته اند.

حوادثی که در روزهای اخیر در تهران و شهرستانها رخ داده است، به اشکال مشخص زین بروز کرده است:

بمب گذاری

موج اخیر بمب گذاری ضدانقلاب در کشور، چهارمین موج بمب گذاری در دوران پس از انقلاب است: نخستین موج بمب گذاری بم منظور کشتار مردمیکنانه و ایجاد رعب و وحشت، در روزهای قبل از پیروزی نظامی، در ۱۸ و ۲۱ فروردین ۱۳۵۹ بوقوع پیوست. دومین موج بمب گذاری در روزهای قبل از کودتای ۱۸ تیر، در اوایل تیر ماه، رخ داد.

سومین موج بمب گذاری در اوایل مرداد (ابتدا قرار بود حمله ارتش صدام حسین به انقلاب ایران در اواخر مرداد ماه انجام شود)، پیش از توفیق تجاوز ارتش صدام حسین، واقع شد.

موج اخیر بمب گذاری ابتدا از ارومیه آغاز شد و سرانجام در روزهای اخیر با انفجار یک بمب قوی در نزدیک پارک نیاوران، که به کشته شدن ۲ انسان بیگناه و مجروح شدن عددهای منجر شد، وارد مرحله تازه ای گشت. وقوع آتشسوزی مشکوک در مهمانترین خیابان رسالت را نیز شاید بتوان در این زمینه دانست.

هنگام ضدانقلاب از بمب گذاری، تصنیف روحیه مردم، ایجاد ناامنی و دادن روحیه به نیروهای ضد - انقلابی است.

درگیری، کشمکش، تشنج

در روزهای اخیر شاهد درگیریها و زدوخورد های گسترده در چند شهر بودیم، که تلاش میشود دامنه ای بیوسه گسترده تر باشد: در تهران مقاومتیستهای آمریکائی و گروهکهای فریب خورده چهره در خیابانهای تهران به تظاهرات دست زدند و کوشیدند تا مردم را به درگیری با نهادهای انقلابی بکشانند. در این حوادث ۳ تن تا بحال کشته شده اند.

در قاصم شهر، در درگیری میان هواداران «مجاهدین خلق» و افراد کبکته، حداقل ۳ دختر کشته شدند و دهها تن زخمی گشتند. در آمل نیز در زدوخوردی که یکطرف آن گسروهایی چهره و چپها قرار داشتند، عددهای زیادی زخمی شدند.

یشک در تمامی این درگیریها و زدوخوردها، نقش عناصر مشکوک و ضدانقلابی، که یا در نهادهای انقلابی رخنه کرده اند و یا بعنوان هوادار این گروه و مخالف آن گروه، نقش آفرینی تشنج می -

پاشند، آندک نیست. نقش مسئولینی هم که متأسفانه خوشسری خود را از دست میدهند و در واقع در دام تحریکی که ضدانقلاب یا فلان گروه چهره و چپها برای آنها تدارک دیده اند، فرو می افتند نیز جای معین خود را دارد. ولی در هر حال نتیجه تاسفناکیز و تکرانی آور آستسکه، تمام این عوامل منفی سرانجام دست بیست میدهند و درگیری و تشنج و زد و خورد را پدید می آورند.

آنچه انکارناپذیر است اینست که، این پدیده در تمام دوران ۲ ساله بعد از انقلاب به مثابه یکی از عوامل تضعیف کننده هتیار و اتحاد نیروهای مردم و زمینه ساز وارد شدن ضربه توفیق وجود داشته و دست در آستانه تحقق توطئه ها، شدت می یافته است. درگیری در دانشگاهها در آستانه تجاوز نظامی آمریکا به طیس، تشنج در درگیری در لاهیجان، رشت و اهواز در اوایل تیرماه ۵۹ و تشنج گسترده در ایزرآن، رشت و بلوچستان در اوایل شهریور ۵۹، نقاط اوج این جنبه از تحریکات ضدانقلابی در دو سال گذشته بوده است.

در این زمینه باید حمله به دقار، دکها و کتابروشیها را نیز متذکر شد که از اجزاء لاینفک تلاشهای ضدانقلابی برای بر اعتبار کردن امنیت و قانون، جلوگیری از فعالیت سالم نیروهای انقلاب و دامن زدن به، بدبینی و نارضایتی در میان توده های مردم است. در دو سال گذشته حمله به دفاتر، دکها و کتابروشیها، چون خط سرخی پیشاپیش توطئه های امپریالیستی در حرکت بوده است.

خرابکاریهای اقتصادی

بموازات این اعمال خرابکاریهای اقتصادی نیز برای ایجاد نارضایتی در میان مردم و تحریک آنها علیه دولت و رهبری انقلاب، جزء لاینفک طرحهای ضدانقلاب را تشکیل میدهند. روزی نیست که خبری از این دست، در زمینه سوزاندن خرمنها و محصولات توسط تودالها و عمال آنها، خالی کردن چند کامیون کوسفتد مرده در بیابانها، منهدم کردن دهها هزار کیلو نخود و حبوبات، سرغریز، خویاندن کارخانه ها و خرابکاری در دستگاههای نفتی، منتشر نشود. کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان برای نجات خود جلوی درگیری و از اجرای خواستهای ضدقوالتی و ضد سرمایه داری مردم و مسلمانان صدیق بیرو خط امام خمینی، با تمام قوا برای ساقط کردن جمهوری اسلامی ایران، تلاش می کنند.

خرابکاریهای اقتصادی، که اکنون دامنه و شدت بسیار بخود گرفته، در همین جهت است.

این اشکال بر روی هم، از اجرای توطئه سراسری دیگری علیه انقلاب ایران خبر میدهد، که حداعلی هوشیاری، احساس مسئولیت، اتحاد، قطعیت و خوشسری را از مسئولان جمهوری اسلامی و مردم می طلبد.

زنان از دستاوردهای...

بقیه از صفا ۱

ناگهان ضدانقلاب در گیلان شروع به پخش اعلامیه علیه زنان بی حجاب میکند و برای آنان ایجاد مزاحمت مینماید.

برای عقیم گذاردن توطئه های امپریالیسم باید علاوه بر هتیار و انقلابی و تحکیم صفوف نیروهای مومن به انقلاب، زمینه مساعد برای تبلیغات سوء ضدانقلاب را در همجا و در همه عرصه ها از زیر پای آن کشید. یکی از این عرصه ها منظور که در فوق آمده، تبلیغ ضدانقلاب در میان زنان و دختران است.

مشارکت گسترده زنان در انقلاب و ایثار چشمگیر آنان در تمام مراحل آن، تا به آن حد ستایش انگیز است که امام خمینی در پیام خود بمناسبت روز زن میگوید:

«باجناب به زنان پرافتخار ایران مباحث می کنم» امام تاکید میکند که:

«... زن اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست»

و بنابراین تمیز روشن، میان دو انسان برابر، نباید کوچکترین شائبه ای از تبعیض نه در قانون مدون و نه در خلقیات و آداب و سنن و رسوم جامعه وجود داشته باشد. و چون جامعه وابسته طائوت زده ما بار ستم و تبعیض قرون را نسبت به زنان با خود میکشد، پس نخستین وظیفه انقلاب که زنان از ارکان اصلی پیروزی آن بوده اند، آست که این بی حقوقی و تبعیض مانده از نظام ستمگر پیشین را در کوتاهترین زمان از میان بردارد تا برابری زن و مرد تحقق پذیرد و ضدانقلاب کارگزار امپریالیسم نتواند تبلیغ کند که انقلاب ایران حقوق زنان را دریغ داشته، موقیت زن را در جامعه متزلزل نموده و قصد آن دارد که زنان را به قرون گذشته بازگرداند!

امام جمعه تهران حجت الاسلام خاتمه ای در مصاحبه ای با روزنامه جمهوری اسلامی در پاسخ این سؤال که:

«در این مدتی که از آغاز کار مجلس شورای اسلامی میگذرد، هنوز توجهی به مسائل حقوق زن نشده است، نظر شما بعنوان یکی از اعضاء مجلس چیست؟» میگوید که:

«باید اتراف کنم که متأسفانه مجلس اقدامی انجام نداده است» به علت این بی عملی نسریداریم ولی نباید این حقیقت را نادیده انگاشت که دو سال پس از پیروزی، عقب مانده ترین و ارتجاعی ترین قوانین دوران طائوت مبنای اقتوات تادگاهها در مورد حل اختلافات خانوادگی است و دستاوردهای ناچیزی هم که به برکت مبارزه زنان طی سالها بدست آمده عملاً منسوخ مانده است. دادگاههای مدنی خاص در بسیاری موارد بجای آنکه به انسجام خانواده کمک کنند با اشتیاقات خود موجب تزلزل آن شده اند.

بنابینه حزب جمهوری اسلامی میگوید: «بایستی قوه قضائیه حقوق زن و خانواده در اسلام را مدون نموده و بر طبق معیارهای اسلامی برای تصویب به مجلس بفرستد و باین واسطه از برخی قدامت کاریها و اشتیاقات در دادگاههای مدنی خاص جلوگیری بعمل آید»

مجلسه زن روز (۵ اردیبهشت ۶۰) با حجت الاسلام مهدوی کرمانی رئیس دادگاههای مدنی خاص مصاحبه ای انجام داده است. از فتوای مصاحبه بطور خلاصه چنین برمی آید که عواطف انسانی که در غالب ازدواجها بهترین عامل تشکیل خانواده است در حل اختلافات خانوادگی محلی از اعراب ندارد. همجا، پول بجای عشق همسری و عشق مادری نشسته، اگر مرد از اسکنات مالی برخوردار باشد، میتواند همسری را به چند همسری بدل کند، میتواند مزین زن را ببردازد و او را طلاق گوید، میتواند چا بختش چند همزرتومان بیبای عمر و جوانی و عشق بر باد رفته ای را بپرداخت کند! از محتوای مصاحبه با کمال تعجب چنین برمی آید که گویا:

«بخیلی از زنان، داشتن هو را بخشی از زندگی تادی زانشوئی خود میدانند»

«اکثر زنانی که وادار به گرفتن طلاق از همسرانشان میشوند و یا خود درخواست طلاق میکنند، مایلند تا فرزندانشان نزد پدرها باقی بمانند»

«هر مردی مجاز است ازدواج دوم و سوم خود را بطور غیرقانونی انجام دهد و بعد با تفاق شواهدی بدادگاه بیاورد و تقاضای ثبت آنرا بنماید»

این مصاحبه که هم خواندنی و هم بعد کافی گویاست، آئینه تمام نمای است از بی حقوقی زن و تلقی قانون و قاضی از زن مشابه یک ماشین فاخر احساس و عواطف که باید تاگزیر به تحمیلات مرد تن در دهد و اگر توانست و شورید، چند سکه ای بعنوان خیرات و میراث دریافت کند و طلانامه در مشت از کنار شوهر و فرزند کوچک نماید!

اسلام دین تبعیض میان انسانها نیست. دین برابری انسانهاست. به سخن امام خمینی:

«قبل از اسلام زن بعنوان انسان در جامعه مطرح نبود، اسلام زن را از منجلا ب جاهلیت، بیرون کشید»

و اکنون نظام جمهوری اسلامی ایران است که باید بتواند جایگاه شایسته زن را در خانواده و جامعه، با توجه به دورانی که در آن بسر میبرد به او عرضه دارد.

امپریالیسم و ضدانقلاب سلما در تقالی خود برای جدا کردن زنان از انقلاب شکست خواهند خورد. زنانی که با خون عزیزترین عزیزان خود انقلاب را بارور ساختند، از دستاوردهای آن با جان خود دفاع خواهند کرد. اما نگذاریم که حقوق آنان پایمال شود و مترانشان در خانواده و جامعه متزلزل و نابایدار.

درواه تثبیت و تحکیم و بازگشت ناپذیر کردن دستاوردهای انقلاب

بقیه از صفا ۱

چنددهه اخیر، بدون کوچکترین خشنه، مورد تأیید قرار گرفته است. توده های دهها میلیون محرومان شهر و روستا (یعنی کارگران و دهقانان و پیشه وران و روشنفکران زحمتکش مینما)، چه آن اکثريت عظیمی که زیر پرچم اسلام انقلابی و چه آنها که با برداشتهای غیرمذهبی پا به میدانهای نبرد سرنوشت ساز گذاشته، مشترکاً از پیروزی انقلاب انتظار داشتند که:

الف - نظام استبداد سلطنتی (که از آغاز دوران تسلط استعمار در جهان همیشه بهترین وسیله و ابزار سرکوب ملت ها و بازنگه داشتن راه غارت بر بندوبار غارتگران جهانی و داخلی بوده است) برای همیشه سرنگون و بهزباله دان تاریخ فرستاده شود!

ب - به تسلط امپریالیسم جهانخواز بمرکز دگرگونی امپریالیسم آمریکا که با دستیاری خاندان بیلوی و پایگاه طبقاتی (کلان) سرمایه داران وابسته و بزرگ مالکان) تمام شریکتهای حیاتی ملت ما را در زمینه سیاست، اقتصاد و نیروهای مسلح و فرهنگ در دست گرفته بود، پایان داده شود و استقلال همجانبه و بی خشنه مینما مسا تأمین گردد!

ج - نظام اختناق سیاسی، که ابزار اصلی سلطه غارتگران داخلی و خارجی بود، برانداخته شود و برای محرومان جامعه و مبارزان راه رهایی این محرومان، آزادیهای اجتماعی تأمین شود تا بتوانند در سایه آن برای پایان بخشیدن به محرومیت های خود مبارزه نمایند!

د - حرکت انقلابی در جهت دگرگونی های بنیادی برای پایان بخشیدن به محرومیت های توان فرسای ناشی از نظام غارتگر و جایز و جنایت بار وابسته و سرسریه یعنی همه محرومیت های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، ملی و فکری و عقیدتی آغاز گردد و راه برای تأمین عدالت اجتماعی، که هسته اساسی و تعیین کننده آن پایان بخشیدن به استثمار فرد از فرد است هموار گردد.

اینها بود آماج هایی که توده های میلیون زحمتکش مینما، کوششهای نابرنهها و پابرنهها برای رسیدن به آنها این حماسه تاریخی جهانی را آفریندند.

اینها هستند آماج هایی که به بخشی از آن ها انقلاب شکوهند و پیروزمند ما رسیده و به بخش دیگر آن باید برسد.

دستاوردهای انقلاب در جهت این چهار آماج اصلی بدون تردید چشمگیر و قابل توجه است، ولی با کمال تأسف باید گفت که یکسان نیست. در حالی که در جهت برانداختن نظام استبداد سلطنتی و محدود ساختن تسلط غارتگرانه و استیلاجویانه امپریالیست ها و قلع و قمع کارگران عمده رژیم وابسته کامیاب های دامنه داری به دست آمده است، در زمینه تثبیت آزادی واقعی برای محرومان جامعه که رهایی از غارتگری و بهره کشی اقتصادی پایه اساسی آن است و همچنین دگرگونی های بنیادی بسود محرومان جامعه و در جهت لجان زدن به غارتگران باقی مانده از رژیم سرنگون شده، گام مهمی برداشته شده است. سرمایه داران و بزرگ مالکان هنوز حیاتی ترین شریک های زندگی اقتصادی مردم مینما را در دست خود دارند و زاولوار خون دهها میلیون زحمتکش غارت شده را می کنند. همین وضع منشاء بزرگترین تهدید برای انقلاب است. توده های وسیع مردم که آماده هرگونه فداکاری برای پیروزی انقلاب بوده و هستند، می خواهند که دولت انقلاب، دولتی را که آن ها آرا با خون خود به قدرت رسانده اند، اقدامات جدی برای جلوگیری از این غارتگری و تأمین آزادی واقعی دهقانان برای گرفتن حقوق خود از بزرگ مالکان، و همه زحمتکشان از سرمایه داران، انجام دهد.

مخزن نفتی «فاو»...

بقیه از صفا ۱

۳ تانک، ۶ انبار مهمات، ۴ سنگر اجتماعی، ۳ پست میدانی و یک موضع تجمع دشمن منهدم شد و تعدادی از افراد آنها به هلاکت رسیدند و یا مجروح شدند. در این عملیات قسمتی از لوله ها و

فاضلاب کارخانه یزدباف یزد مشکل بزرگ آوارگان جنگی این منطقه

باتوجه به نزدیکی تابستان و گرمی هوا، که شدت تغن در این منطقه و پختن آشنه بیمباری های گوناگون را در پی خواهد داشت و شرایط زندگی را دشوارتر خواهد کرد، از مدیران و مسئولان کارخانه یزدباف یزد میخواهیم که با برخوردی مشولانه، مسئولین استان را در برطرف کردن این مشکل یاری رسانند.

تزدیک به هزار نفر از آوارگان جنگی ساکن اردوگاه آوارگان در نزدیکی کارخانه یزدباف یزد، از بوی تغن و کتداب فاضلاب این کارخانه، که در جو بیای اطراف جاری است، رنج می برند. با اینکه چندین بار از طرف مسئولین استان به مدیریت این کارخانه برای انجام اقداماتی در رفع این مسئله اخطار شده، ولی هنوز اقدامی انجام نشده است.

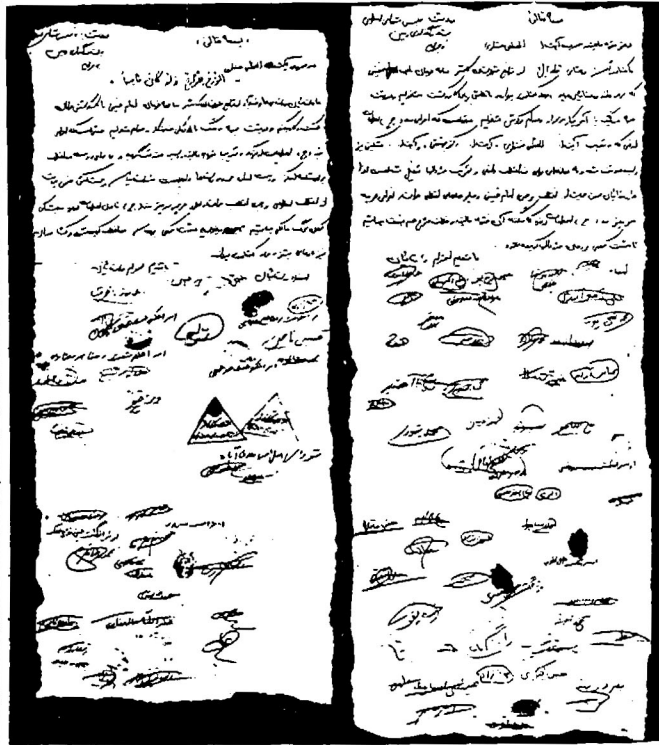
برای مقابله با تجاوز نظامی آمریکا، تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود!

دهقانان زحمتکش قلعہ بالا و عارف آباد کاشمر، که با تلاش فراوان به کشت و کار مشغولند، اجرای فوری و کامل طرح واگذاری زمین را می خواهند

دهقانان زحمتکش روستاهای قلعہ بالا و عارف آباد کاشمر خواستار اجرای فوری و کامل طرح واگذاری زمین هستند. این زحمتکشان هر کدام طی نامهای با امضای اهالی و شورای ده، خواست دهقانان را خطاب به مجلس شورای اسلامی نوشته و رونوشت آن را برای ستاد واگذاری زمین و جراید فرستاده اند.

روستای عارف آباد با جمعیتی نزدیک به ۳۰۰ خانوار در ۶ کیلومتری شهرستان کاشمر واقع است. دهقانان عارف آباد بعد از انقلاب زمین های غصب شده خود را از دست ارباب زورگو بیرون آوردند. هفت ۷ نفر نیز در شتابانی از دهقانان زحمتکش عارف آباد چاهی را که مالک زورگو بر زمین های غصب شده حفر کرده بود، خرید و به صورت مشاع - های ۱-۶ نفره به حدود ۳۰ نفر از آنان واگذار کرد.

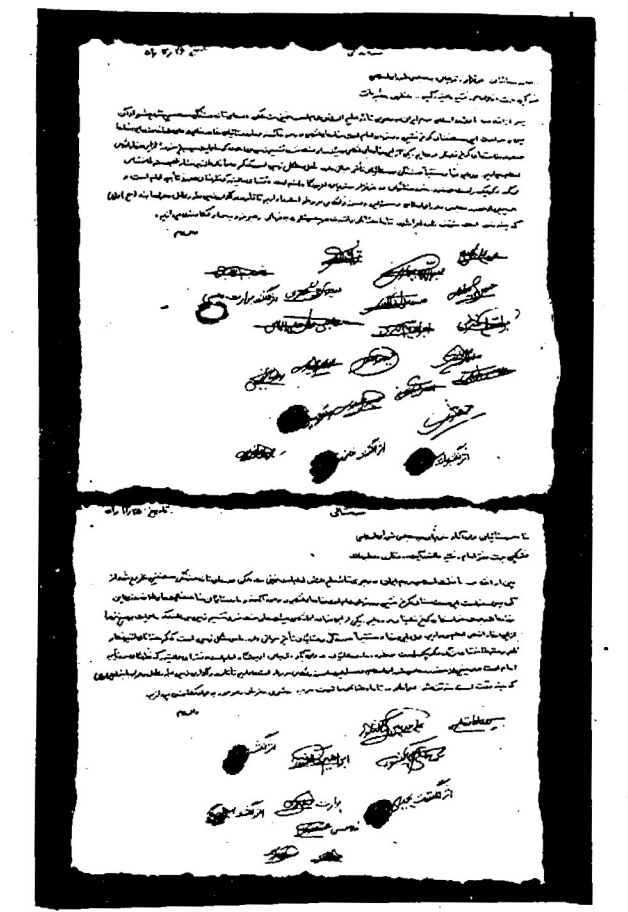
روستای قلعہ بالا ۳۵۰ خانوار جمعیت دارد و در ۷ کیلومتری کاشمر واقع است. اهالی این روستا به زراعت و دامداری و قالیبافی مشغولند. در قسمتی از نام دهقانان قلعہ بالا این جلات را می خوانیم: "مدتی است که اجرای بند "ج" اصلاحات ارضی، که به تصویب آیت اله العظمی منتظری، آیت اله مشکینی و آیت اله بهشتی نیز رسیده، متوقف شده و به بهانه های برای ضدانقلاب داخلی و تحریکات فئودالها تبدیل شده است. لذا ما روستائیان ضمن حمایت از انقلاب انحرافی و اسام خمینی و نهادهای انقلابی، خواستار اجرای هر چه سریعتر بند "ج" اصلاحات ارضی، که به گفته فقہ عالیقدر خلاف شرع هم نیست،



می باشیم... دهقانان عارف آباد نیز در بخشی از نامه خود می نویسند: "ضمن حمایت از انقلاب اسلامی و رهبری انقلاب، خواستار اجرای هر چه سریعتر بند "ج" قانون اصلاحات ارضی

دهقانان روستاهای «مرغزار» و «ولی آباد» قوچان خطاب به مجلس شورای اسلامی می نویسند:

«باحل مشکل زمین است که کمر دهقانان از زیر فشار ظلم و ستم طاغوت های بزرگ و کوچک راست می شود»



دهقانان ستمدیده روستاهای مرغزار و ولی آباد قوچان هم مانند سایر دهقانان زمین و کمر زمین میبندند، طی نامه های اجرای فوری قانون واگذاری زمین، بویژه بند "ج" و "د" آن را طلب کرده اند.

اکثر جمعیت ۲۰ خانواری (۱۵۰ نفری) ولی آباد را دهقانان آفتاب نشین (بی زمین) تشکیل می دهند. در این روستا که ۲۲ کیلومتری شمال قوچان واقع است، بیشتر زمین های مرغوب (حدوده ۵۰ هکتار) با ۳ حلقه چاه عمیق متعلق به بزرگ مالک محصل است.

دهقانان زحمتکش بعد از انقلاب برای واگذاری زمین های بزرگ مالک (عبداله خان بهادری) اقدام می کنند. ولی توسط بزرگ مالک و چاندان اشرار عمل آنها جلوگیری می شود و یکی از دهقانان زحمتکش نیز توسط چاندان مغرب و مجروح می گردد و این دهقان حتی به علت اعمال نفوذ بزرگ مالک، در زمان دولت موقت، به سماء زندان نیز محکوم می شود از زمین های ولی آباد هنوز در دست بزرگ مالک است.

در قسمتی از نامه های دهقانان مرغزار و ولی آباد آمده است: "یکی از نهادهای انقلابی هیئت های هفت نفری تقسیم زمین می باشند که ما حمایت بهدین خود را از این نهاد انقلابی اعلام می داریم. عمل این نهاد مستقیماً در زندگی روستائیان تأثیر حبابی دارد. باحل مشکل زمین است که کمر دهقانان از زیر فشار ظلم و ستم طاغوت های بزرگ و کوچک راست می شود... از پیشگاه امام استوفیای عالیقدر که نظرشان مورد تأیید امام است و همچنین از حضور مجلس شورای اسلامی و مسئولین دلسوز و انقلابی مربوطه استدعا داریم تا قانون واگذاری زمین بطور کامل همراه با بند "ج" و "د" آن که چند وقت است متوقف شده اجرا شود...

حق زندگی و حق زمین دیگر کلام نامفهوم نیست

هفته گذشته مهندس خلیل نیازمند، فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کاشمر، هنگام دستگیری محمدحسین هوشمند، فئودال زاده فراری، شهید شد. محمدحسین هوشمند چندین قبل با تظاهر به مرضی توانست در یک فرصت از بازداشتگاه فرار کند. وی سابقاً متدی در فساد و جنایت، باجگیری و آدم ربایی داشت. درگیری در کوه های ساق آباد کاشمر رخ داد، که در نتیجه آن یکی از پاسداران زخمی و خود قاتل نیز کشته شد.

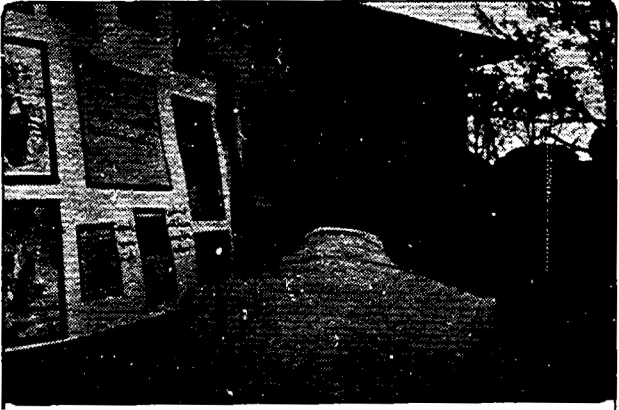
مراسم تشییع جنازه فرمانده عملیاتی سپاه پاسداران، که فردی مبارز و مسلمانی انقلابی بود، با شکوه فراوان انجام گرفت.

ما شهادت این پاسداران بزرگ را، همراه با همه انقلابیون راستین و بویژه دهقانان زحمتکش منطقه، به سپاه پاسداران، خانوادہ شهید و مردم کاشمر صمیمانه تسلیت می گوئیم.

بی مناسبت نیست قطعه شعری را که "اسماعیل" برای ما از بندر بوشهر در یکی از جنوبی ترین نقاط کشور ما، فرستاده، با تحلیل از خاطره شهید نیازمند، که در یکی از شمالی ترین نواحی کشور بدست خانها کشته شده، چاپ کنیم. آنچه که در منطقه کاشمر رخ داد، شبیه به وضعی است که در منطقه ریز، خانها و فئودال های غارتگر بوجود آورده اند. اما آنها بیبوده انتظار میکنند. باران دهقانان ببارند.

سلاح من

ای آسمان بزرگ
بار من باش!
چشمان من
در برابر چشم خان
می درخشد
سلاح من
۳۰۰ برونو خان را
حریف است
و با مهر محبوب
سرخوشم
و حق زندگی،
حق زمین،
حق آب،
دیگر
ای زمین های حاصلخیز
مرا بپرورید!
وای کوهستانهای پرغرور
مرا بیا موزید!
کنندگان،
بوتن من
کارگر نیست
و برونو خان
بارای زبانهای
آتش را
ندارد.
سینه سپید من
آزادی می طلبد
و چشمان من
به آسمان بزرگ است
برای من
کلام نامفهوم است
بمخام بگوئید:
روستازاده
سلاح است
بگوئید:
سلاح روستازاده
چواب ۳۰۰ برونو خان
خواهد داد
بمخام برسانید
اگر طلب جان مرا دارد.
حساب
۳۰ گلوله سرخ
بمخاطر بپردازد.



در بجنورد یک نمایشگاه عکس با مطالب مربوط به دهقانان و ضرورت انجام اصلاحات ارضی بنیادی و مشارکت دهقانان در جبهه جنگ و سهم عظیم آنها در تولید داخلی ترتیب یافت.



طبعی است که چون بر سر توپاخ امروز در آستانه اول ماه مه، روز کارگر و روز همبستگی همه کارگران و زحمتکشان جهان صورت می گیرد، سوالاتی کشیده، بیشتر در ارتباط با روز اول ماه مه، وظایف طبقه کارگر ایران، وضع طبقه کارگر ایران و دشواریهایی که دارد، باشد. اولین سوال کشیده، خواسته است که در باره مسأله این روز و سر تاریخی آن توضیح داده شود. درباره تاریخچه اول ماه مه، البته به اندازه کافی در مطبوعات نوشته شده و دوستان علاقمندی می توانند این منابع مراجعه کنند. همچنین این وظیفه رفقای کارگر آگاست که در این باره هم روزگاری دیگر آگاهی های لازم و مورد پرستی را بدهند. من همین قدر بطور خلاصه می گویم که در نیمه دوم قرن گذشته، مبارزات کارگری بارشده سرمایه داری در کشورهای پیشرفته صنعتی، نظیر آمریکا و اروپای غربی و غیره شدت بسیار یافته و اوج این جوامع شاهد بودید. کارگران بیش از پیش در مقابل فشار غارتگرانه استثمار سرمایه داری مقاومت می کشید و می خواهند که حقوق معقول دست یابند و به وضع دشوار آنها رسیدگی شود. وضع کارگران در سال های پیش از ۱۸۸۶ کشور های آمریکا و اروپای بطور مسلم می شود گفت به مراتب از وضع کارگران در بدترین شرایط جامعه سرمایه داری بهتر بود. یعنی استثمار شدید سرمایه داری در آن دوران، که سرمایه با تراکم فوق العاده به آستانه دوران امپریالیسم رسید بود، با ویژگی عینی بکشد پلیس، نیروهای انتظامی و دیگر ابزار قهر و به حمایت قانون انجام می گرفت و مست و شدت این فشار و فراتر می رفت. مبارزه کارگران و زحمتکشان در همه کشورهای دامن زده بود. این مبارزه با اشکال مختلفی صورت می گرفت. در کشورهای که آزادی های دموکراتیک را طبقه کارگر و زحمتکشان تاحدی توانسته بودند به سرمایه داران تحویل بکنند، مثلا نظیر انگلستان مبارزه اشکال آرام تری داشت. اما در کشورهای دیگر وضع به مراتب بدتر بود. رژیم های حاکم، رژیم های استبدادی، در حال یکی شدن با سرمایه داری بودند. یعنی در بعضی جاها استبداد قدیم نیمه فئودالی و نیمه سرمایه داری با همه بزرگی آمیخته می شدند. در آمریکا، سرمایه داران چهار اسبه پیش می ساختند و حرص و ولع آنها برای استثمار زحمتکشان شایع بود. در حال آنجا که کارگران در وضع بدتر و بدتر متحرک ارتش وسیعی تشکیل داده بودند. در شیکگو که یکی از مراکز صنعتی آمریکا بود. در اول ماه مبارک کارگران اعتصاب بزرگی راه انداختند، یعنی در همان روزهای نزدیک به ماه مه، خواسته های تعیین ساعات کار به هشت ساعت شدند. نماینده بزرگی در روز اول ماه مه در شیکگو با مردم سخن گفتند. عده زیادی هم در آنجا گردیدند و وعده می دادند که در آن تاریخ روز اول ماه مه مبارزه با طبقه کارگر داشته باشد. در سال بعدش در کنگره انترناسیونال دوم در ۱۸۸۹ که در آن تاریخ هنوز پیوندهای با طبقه کارگر داشت، هنوز به منجانب سازش و ایورتونیم که بعدا در دوران امپریالیسم و مشخص تر، در آستانه جنگ جهانی اول، در آن غلبید، نیتتاد بود. تصمیم گرفتند که برای تجهیز مبارزه عمومی طبقه کارگر در سراسر جهان یک روز عمومی مبارزه ترتیب بدهند و این روز را به مناسبت مبارزه تاریخی کارگران شیکگو روز اول ماه مه گرفتند، یعنی در حقیقت این روز یک سبب مبارزاتی شد، نه اینکه پیوسته اول ماه مه سال ۱۸۸۶ طبقه کارگر مبارزه و فعالیت در زمینه نداشتند. مبارزه کارگران شیکگو مرحله تاریخی مهمی در تمام تاریخ مبارزات طبقه کارگر است. نه منظور به هیچ وجه این نیست. یعنی که روز بعنوان روز کارگر برای تمام کارگران جهان، شناخته می شود در این طبقه در تمام کشورهای است. این روز، بعنوان یک شهر، برای اینست که کارگران خواسته ها و حقوق خودشان را ابراز کنند و این بشود یک حرکت

کوشش تاریخی ارتجاع برای مسخ و تحریف محتوای انقلابی روز اول ماه مه

این روز اول ماه مه آن قدر در قلب طبقه کارگر جهان جای گرفته که حتی رژیم های ارتجاعی نتوانستند آن را بکلی از ذهن ببرد. و بعنوان عوام فریبی هم شده مراسم اول ماه مه را بطور عمومی برگزار می کنند. رژیم های مرتجع و قدرتمند در جاهای کوشش کرده اند که این روز را نندیده بگردند. مبارزه با طبقه کارگر را سرکوب کنند. اما این تلاش های بیچاره همیشه به ضرر رژیم های ارتجاعی بوده است. سرعکس رژیم های ارتجاعی بخصوص در سال های بعد از جنگ جهانی، سابقا از آن، حتی فاشیست های آلمان به مراتب افتادند که در خودشان ابتکار برگزاری روز اول ماه مه را بدست بگیرند. آنان برای ایزابل کردن محتوای طبقاتی و تاریخی روز اول ماه مه به فکر افتادند که آنرا از طبقه کارگر بگیرند. به خودشان وصل کنند و تبدیلش کنند به چیزی بکلی متفاوت. از همین جهت روز اول ماه مه در همه کشورهای سرمایه داری بکلی متفاوت است. مبارزه با طبقه کارگر، بوی خوب، دیگر آن خاصیت مبارزه عمومی آنرا بگرم یک خاصیت شرفی اش بکشم. آنهایی که سن و سال بیشتری دارند، حتا خاطراتشان هست که در دوران محمد زمامت مغفور کارگران را مجبور می کردند که در روز کارگر بروند محسم شاه را گلریزان بکنند و شرفی بخورند. خلاصه این روز کارگر، این روز حیثیت و مبارزه و زحمت و زحمتکشان را به مسخره کشیده بودند. اما کارگران آگاه بواشکی، در پشت پرده ها، در خانه خود، این روز را گرامی می داشتند. دسته جمعی، چند نفری مراسم برگزاری می کردند و در روز اول ماه مه از زندگانه می رفتند. از دستبرد آرمیها حفظ می کردند. ابتکار این دستبرد زدن و مسخر کردن اول ماه مه اولین بار برای نشان دادن نامی ها که روی کار آمدند، چون در کشوری مثل آلمان با آن قدر مبارزه عظیم، یک جریان سیاسی نمی توانست بدون ارتباط با این طبقه، بطور جدی مطرح شود. نازیها برای تقلب، اصلا اسم حزب خود را گذاشتند " حزب ناسیونال سوسیالیست کارگری آلمان ". یعنی هم از اسم سوسیالیسم گرفتند و هم کارگری و این دو اسم را کاعتماد زیادی داشت، و پرچم خودشان کردند منتها یک ملی هم به آن افزودند، یعنی ما ناسیونال سوسیالیست، مابلی هستیم که این خیلی بهتر و صمیم پرستانه تر است. بر واضح است که حزب نازی در واقع نوعی ناسیونال و مفهوم ملی نشانی داشت، نه بومی از سوسیالیسم می داد. جعلی تلقی بود برای فریب مردم، بیرون آوردن سرمایه داری بزرگ از بیست، برای سرکوب طبقه کارگر و جنبش انقلابی کدش را به بحران میس از جنگ اول و وجودت به باقی باقی گرفته بود. آنها دشمن طبقه کارگر بودند، همچنانکه در عمل نشان دادند. اما این مانع از آن نبود که بنام این طبقه، به عنوان پیروان حقیقی روز اول ماه مه را کنند. آنها پرچم سرخ را هم بدست گرفتند، منتها به جای داس و چکش نقش

صاحب شکسته خودشان را روی آن زدند. یعنی همه آثار ظاهری طبقه کارگر را کوشش کردند بزدند و پشت آن پنهان بشوند بگویند هیچ تفاوتی نیست. ما عین همان کمونیست ها هستیم، فقط با یک مصلحت هم هستیم، ملی هستیم. اما کمونیست ها که میانه خوبی با لفظ ملی ندارند، جاسوس خارجی ها هستند و بهین دلیل ما با آنها مخالفیم. ما از علایم کارگری هم پرچم سرخ داریم و هم صلیب داریم که شکسته است آن هم تقریباً بعد از او چکش می ماند. اما عیب های سوسیالیست ها را نداریم. حالا هم کردو از آن تاریخ هم اول ماه مه به روز مبارزه و همبستگی طبقه کارگر در تمام جهان تبدیل شده است. در کشورهای که طبقه کارگر پیروز شده، این روز به صورت جشن بزرگ ملی آن کشورها در آمده است. در کشورهای که هنوز طبقه کارگر برای حقوق خودش مبارزه می کند، این روز بهر حال روز نبرد است. روز همبستگی است. روز بهم پیوستن و نمایش قدرتی است که سازنده واقعی نشانی امروز است. این درباره روز اول ماه مه.

نقش طبقه کارگر ایران در مراحل پیروزی، تثبیت، تحکیم و گسترش انقلاب

در دو مین سوال پرسیده شده است که آیا ما می توانیم در باره نقش طبقه کارگر ایران در مراحل سگانه تدارک، پیروزی و اکنون تثبیت و تعمیق انقلاب بگویم و بکنیم و نظری بدهیم؟ چنانچه اینست که طبقه کارگر ایران مثل طبقه کارگر کشورهای نظیر ایران و به طور کلی طبقه کارگر در قیاس جهانی، انقلابی ترین طبقات جامعه بوده است و خواهد بود. این خاصیت را هیچ جریان گذرایی نمی تواند از طبقه کارگر ایران بگیرد. طبقه کارگر انقلابی است به علت اینکه موضع زندگی او با وجود غارتگری است، در تمام اشکال سازمان کار است. چرا؟ روشن است. برای اینکه نظام سرمایه داری یعنی استثمار طبقه کارگر طبقه کارگر هر قدر آگاه شود، هر قدر به حقوق خودش بیشتر پی برد، به

خسومت بیشتر با آن نظام مجبور می شود. خواست واقعی طبقه کارگر خیلی ساده عبارت از این است که این نظام تغییر بکند و استثمار و تبعیض و هرنوع ستمی از بین برود. از بین بردن استثمار و ستمی نظام، لازمه ایست که انقلاب اجتماعی است مسئله انقلاب در اینجا در مفهوم گسترده اثر مورد بحث است، یعنی بایستی که مناسبات اجتماعی کینه و باغادانه از بین برود و مناسبات دیگر بوجود بیاید اینکه گفتمی خود که طبقه کارگر انقلابی، ترین طبقات جامعه است، یعنی هیچ طبقه ای دیگر این قدر علاقمند به تغییر و ریشه داری نیست. جامعه نیست، یک ریشه داری همین جاست. طبقه کارگر در عین حال به تولید مائینی، بتولید بزرگ، بتولیدی که رو به آید دارد، متعلق است. او آینده را در جهت خود و تولیدی که وی به دست می بیند و درگونی مورد نظرش را، تغییر بنیادی مورد نیازش را که به استثمار و دروغ غارت و ستم او پایان می دهد، با این آینده در پیوند می بیند. علت و انگیزه اصلی روحیه و خصلت انقلابی طبقه کارگر همین است. اینکه گفتمی خود طبقه کارگر با لقمه انقلابی ترین طبقات است، دلیل این نیست که هر قدر کارگر حتما از هر فرد دیگر در هر وقت دیگری، در هر موقع تاریخ، انقلابی تر است. نه، اصلا چنین سناریی مورد نظر نیست. در دوره های گذرا، در اینجا با آنجایی که طبقه کارگر عینی طوری باشد که کارگران را برودا به برانمکنند، از هدف های اصلی و خود آگاهی طبقه کارگر دور کند. وقتی کارگران با اهداف واقعی و جهان بینی خود آگاه می شوند، نمی توانند برای رسیدن به اهداف بکوشند، نمی توانند در مسیر تاریخی و منطبق با موقعیت و منافع خود فعالیت کنند. برای اینکه آدم برای رسیدن به یک هدف فانی باشد، بایستی حداقل هدف را بشناسد و بعد آگاه باشد به مانعی که تانده این هدف برسد، نیرو دارد که این هدف را قابل دسترسی کند. باید به شوم های کموول به این هدف را ممکن می سازد پس باید، این وقت شجاعت این را داشته باشد که از میدان برداشد و برای رسیدن به آن باطل خودش مبارزه کند، با علم به این که در این مبارزه شوی بی پشیمان می کشد، یعنی مبارزه تلفات هم دارد، فشار دارد، همه جور محرومی ممکن است داشته باشد. شکنجه و خطر مرگ دارد، بی نصیبی و اسبابا گرسنگی دارد. با جمع شدن همه این شرایط طبقه کارگر مملای انقلابی می شود. یعنی از انقلابی به صورت یک طبقه انقلابی نرمیدان عمل، در میدان جامعه و در تاریخ درمی آید.

به این ترتیب حتی دوره های تاریخی ممکن است پیش بیاید که طبقه کارگر این خصوصیت انقلابی باقیه خود را بطور ترسانند. مثلا فرض کنیم طبقه کارگر انگلستان، با طبقه کارگر بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری اروپای غربی، زاین غیره و غیره. ما می بینیم که در بعضی از این کشورها بعضی از طبقه کارگر انقلابی است، با تمام توان خودش مبارزه می کند. به آنده و مصالح خودش آگاه است، نقش تاریخی خود را می داند، اما بعضی از طبقه کارگر، عقب افتاد است، هنوز نا آگاه، هنوز حاضر نیست برای منافع طبقاتی خودش عمل کند، حتا بعضی از احزاب ارتجاعی رای می دهند. به سرمایه دارها، با انحصار می کشد و در دهند و آنها را تقویت می کنند و در راس قدرت تنگ می دارند. پس وقتی که ما می گویم طبقه کارگر انقلابی ترین طبقات است، چندین مفهوم را در نظر داریم. البته طبقه کارگر در اساس موجودیت خودش، از هر طبقه دیگری بیشتر علاقمند است به تحول عمیق بنیادی، درگونی بنیادی اجتماعی، در جهت تغییر مناسبات موجود جامعه سرمایه داری و بومی که شرایط عینی بسیاری از طبقه ها و بخشها، بیشتر از هر طبقه دیگری با ادنی مبارزاتی و استعداد شکلاتی دارد. ساز ساند هسی، استعدادی است که مستعد کار و نحوه تولید و منظم و مرتب مائینی در شرایط سرمایه داری باومی آموزد. این را باید بدانید که طبقه کارگر در تمام کشورهای مختلف، در قدرت سیاسی و در تعیین مناسبات، نقش بزرگ و تعیین کننده ای در پیروزی خلق و انقلاب دارد. اگر بعضی انقلاب خود ما را بگویم، می بینیم که در دوران تدارک، در دوران پیروزی و الان در دوران تثبیت و تعمیق، نقش طبقه کارگر واقعا مهمترین نقش بوده است. ما بخاطر داریم تظاهرات در سال

نورالدین کیانوری:

رسیدگی سریع به خواسته های طبقه کارگر از ضرورت حیاتی انقلاب

از جلسه پرسش

۱۳۵۶ از قم شروع شد، بعد درجمله به جله، یعنی در فاصله های ۴۰ روزه با پیش روی از این شهر به آن شهر سربازت کرد و زبان کشید همان طور که امام خمینی به این مسئله بارها بارها با مراجعت بگفتند، کسانی که در این مبارزه شرکت فعال داشتند، اکثریت مطلق کارگران و زحمتکشان بودند، کوچک نشنان بودند، در صفوف انقلاب تجار و صاحبان مروتگاهها و بنگاههای درجه اول و کارمندان عالی رتبه دولت و دیگر سرمایه دارها نبودند. و امام خمینی این مسئله را صراحتا و به وضوح گفته اند که این جماعت در تظاهرات و مبارزات روزها و ماههای انقلاب واقعا شرکت نکردند. حداکثر کمکی که بهترین این گونه افراد انجام دادند، این بود که در خانه های خودشان بنشینند و از این جریان تاریخی بیگانه بمانند. به همین علت هم هست که دهها هزار پیرو جوان وزن و مرد از زاغه - نشینان، پاره پاره ها، زحمتکشان، و عدالت کارگران و دهقانان کشته شدند، ولی یک دانه به سرمایه داران یا پاره های چشم زخمی ندادند. در انقلاب ایران که عددا ارتش آن زحمتکشان و محروم - ترین طبقات و قشرهای جامعه بودند، از هر روشنفکری کشته شد، با استناد دانشگاهی شهید شد، بلافاصله اسم و رسمش هم محو می شود. اما ۶-۷ هزار شهید انقلاب کما و بی توقع وی هیچ سرمردانی جان ندادند. در میان آن ۶-۷ هزار شهید، چند تا از نمونه های روشنفکران و استادان هست؟ اکثریت مطلق اینها کوشش کننده ما، انواع کارگران مسلم و بی کارگران فلسطینی و کارگران روستا هستند و بعضی آنها بودند. در روستا طبقه به اندازه شهرها نبود. برای اینک تظاهرات و عزم مبارزه اغلب در شهرها بود.

طبقه کارگر ایران هم در پیروزی انقلاب و گسترش آن، کاری ترین نیرو بوده و هست. گراتی و توهم و معروضت های مختلف پر روش

بعضی ها ادعا می کنند چون شرکت، مشکل طبقه کارگر فقط در ماه های آخر انقلاب صورت گرفت، پس طبقه کارگر در پیرامان آمده است. منظور ما این است که در واقعیت، شرکت مشکل طبقه کارگر در انقلاب، بلطین دعوای های خیلی زیادی هم در مقابلش بوده، برای اینکه کارخانجات راهبخت حاکمه، ساواک، با تمام قدرت و زور کنترل داشت. کارخانجات بصورت دزهای تنظیمی در آمده بودند. برای اینکه می توانستند یک کارخانه بتواند یکجا بشود، یک دوران تدارک خارج از کارخانه لازم داشت. یک ششمیند که کارگرها بکوه اعتبار کنند. این دوران تدارک روحی، تدارک در همزمنی های لازم، با مبارزه بیرون از کارخانه است. به همین جهت اکثر این کارگرها در مبارزات بیرون کارخانه، در نهایت شرکت می کردند، کشته می شدند، زخمی می شدند و در واقع می کردند. این جریان برای ما بواشکی نیست، تا یک وقت بدلیل این افتخار در داخل کارخانجات است. این قانون مندی انقلاب است. والا یک مرتبه که هم می زد زیر و رو می شود. کارگران از خارج از دزهای تنظیمی کارخانجات به خارج می آمدند، در این جریان، روحیه کارگران در تمام کشورهای مختلف، در قدرت سیاسی و در تعیین مناسبات، نقش بزرگ و تعیین کننده ای در پیروزی خلق و انقلاب دارد. اگر بعضی انقلاب خود ما را بگویم، می بینیم که در دوران تدارک، در دوران پیروزی و الان در دوران تثبیت و تعمیق، نقش طبقه کارگر واقعا مهمترین نقش بوده است. ما بخاطر داریم تظاهرات در سال

خواسته ها و نیازها مبرم کارگران ایران

بمبارک ارتجاع ایران ضد انقلاب چهره ها، مائوئیست ها، تمام نیروی تهدید کننده متواضعانه در این سال یک درگیری قابل توجه بین کارگر و حکومت انقلابی به وجود می آید، خود نشاندهنده آگاهی سیاسی طبقه کارگر ایران است. کارگران با اینکه تمام دعوای های را با کوشش و یوست خود تحمل میکنند از گراتی که تا کمبودها را از معیوب خدمات، از اینک ناچار خود نشاندهنده و زشتان، فرزندان توی صف های ما بایستند، با اینحال وقتی حساب کنند که اگر به تمام اعتبارات معروضه خودشان را از همان

خبر استنها و نیازهای کارگران ایران بانی انقلاب است

از جلسه پرسش و پاسخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۶۰

بنا کارگر که عمل داشت. جل نفع و انفجارهای فکراگر به شکل متکدر خودی در محل کار خود نشد. همانطور که بدانیم شکل طبقه کارگر در کارگاه و صنعتین تسایس و اجتماعی صره قاطع و پرزیم زد. وقتی کارگران کردند. کارگران کارگری پیشنیانی از آن ها نیستند. ضرر اصلی و غیرقابل رگرام زرم وارد آمد. با نوری ارتعاع ایران، از زیدو زمین خورد. پیروزی اصلی تا حال راه از طرف افراد با طرف امام خمینی، پیروزی مجموعه رکنان طبقه کارگر در این مجموعه کتند. اگر طبقه کتشی، با این شدت، با روفد اکاری در مبارزه و تروزی به این آسانی غیر- نظوم این نیست کمپروزی آدمات نه، مسئله این یوزی دشوار تر میشد، گرانتر یک عق تر از آب در صامد.

ثبیت و تثبیت انقلاب هم نگارگران نقش تعیین کننده ای در این امر داشتند. ایشان با مبارزه و پیروزی در این امر نقش تعیین کننده ای داشتند. ایشان با مبارزه و پیروزی در این امر نقش تعیین کننده ای داشتند.

بغرض برای کسی که کار تولیدی می کند در اکثر سال ۵۰۰ تا ۶۰۰ هزار تومان درآمد منظور کنند. باقی آن را به عنوان مالیات برداشت کنند. در بخش کارخانجات خصوصی نیز سودهای کلانی برداند برای مثال کارخانجات نساجی چکار کرده اند؟ متال هزین تمام شده اشی با تمام افزایش های مکرر نرخ پنبه هست حدود متری ۶۵ ریال می شود. لیکن تمام کارخانجات نساجی متال را به متری ۱۷۰ ریال به بندکارها فروخته اند و آن ها نیز به مصرف کنندگان تا متری دوپست و سی ریال فروخته اند یعنی چهار برابر قیمت تمام شده به مصرف کنندگان دادند. مثلا سازهایی به نام سازمان اقتصاد اسلامی که این اسم را رویش گذاشته و لایف منسوعی را کیلویی ۶۵۰ ریال وارد می کند، در بازار کیلویی ۱۸۰۰ ریال عرضه می کند یعنی سه برابر قیمتی که وارد می کند یعنی سه برده سود می شود. فاصله بین قیمت وارداتی تا وقتی بدست مصرف کننده می رسد، واقعا فاحش است. آن کیلویی ۲۸ ریال وارد می شود و کیلویی ۱۲۰ ریال به مصرف کننده عرضه می شود یعنی تقریباً چهار برابر قیمت می شود. این سودهای کلان را چه کسانی می خرند؟ طبقه کارگر که این بی عدالتی اجتماعی را می بیند تحسین روز بروز کمتر می شود و می خواهد که این مسئله جدا رسد می شود. از این لحاظ هست که ما با اینکه متقدم طبقه کارگر را تمام آگاهی انقلابی که دارد، با تمام پیوندی که به انقلاب دارد، با تمام سهمی که خود میداند به برساندن انقلاب داشته و در حرمت از آن دارد، تحسین با این نیست. حیای قول معروف "دردن تپیری داد. این منشا گره بکار رفت؟" نسبت به خواست ها و نیازهای طبقه کارگر نمیتوان ردیابی- توجه بود. با بطور سطحی با آن روبرو شد. باید به این خواست ها و نیازها پاسخ داد. با بیستی از در آیدهای بزرگ، مالیات های بزرگ گرفت، با بیستی زد، با مصالحات انقلابی و بنیادی زد، با بیستی محرومیت های طبقه کارگر را کم کرد. والا، به نظر ما دشواری های اجتماعی ما روز بروز شدت خواهد یافت و بخشی از طبقه کارگر تحت تاثیر وسوسه ها و اغراض متحرک کننده های کارگران و اقوامت با طوس سوس استفاده می کنند، قرار خواهد گرفت و این به هیچ وجه به سود انقلاب نیست. بطور خلاصه مقدمه اینست که طبقه کارگر هم در ایران تازمان انقلاب به جز این پیروزیها که در جریان شیت و تحکیم آن به اشکال مختلفه بشرکت مستقیم در مبارزات سرتوکن خلبانی به در مبارزات برای سرتوکن کردن رژیم گذشته، چه مبارزات برای تداوم تولید، برای کوتاه کردن دست سرمایه داران و غارتگران رژیم گذشته از برین تولید و چالان در کوشش برای بالا بردن تولید اجتماعی به منظور جلوگیری از فشار محاصره اقتصادی و تریکات دشمن که به تمام بنیانی و اقتصاد را باطل و روبرو کند، پشتیبانی و شرکت موثر داشته باشند و خود را در برابر انقلاب بنیان نهاده و به اشتباه رسانده است. به نظر ما طبقه کارگر ایران حق کامل دارد که بخواهد که به این محرومیت ها پایان داده شود. و به عنوان اولین قدم در این مسیر، فوراً مقرر درجه اول محمول غارت بی بندوبار سرمایه داری تجاری و سرمایه داری صنعتی است (مشتمل بر خوراک و دارو در کارگاه های مهندسی و سایر صنایع) مهار شود. خواست های مردم طبقه کارگر انقلابی ایران کاملاً قابل اجرا و در چارچوب امکانات موجود، منتها با برنامه های قاطع قابل دسترسی است.

کارگران ایران جز این هم نمی تواند انتظار داشت. می توان روی طبقه ای که انقلابی ترین طبقات است که در شیمون خود می فیکد که اگر دشمن پیروز شود، چه سرنوشتی در انتظار اوست، کاملاً حساب کرد. کارگران می دانند شکست انقلاب یعنی همان استعمار و غارت بی سابقه ای که در گذشته وجود داشت، و حتی در ابعادی وسیع تر، می دانند یعنی همان شکستها، بگر و بیندها، کشتارها، حبسها، تبعیدها و از همه بدتر وابستگی ها. به همین جهت کارگران و طبقه تاریخی خود را با سرپا نهادن انجام می دهند. ولی در کار این اطمینان خاطر، بلا- فاصله این سؤال پیش می آید که چگونه باید با این محرومیت های که در مقابل طبقه کارگر هست، روبرو شد؟ این محرومیتها به اشکال مختلف وجود دارد. یکی مسئله بیکاری فوق- العاده در دناکاست، یکی مسئله گران است که هر روز هم شدت بیشتری پیدا می کند. ضرب گزانی ما محتاج روزانه مردم دیگر از دست بانک مرکزی ایران هم در رفته و آماری در این باره منتشر نمی شود. روشن است، اگر بخواهند آمار بدهند، واقعا خجالت آور خواهد بود. خوب، این مشکلات و محرومیتها به نظر من منشا دارد. یک منبع آن

ارتجاع در طول تاریخ به اشکال مختلف گشوده است

خارج از اراد دوسترس است و بلافاصله نمی شود در آن تپیری داد. این منشا عبارت است از فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی و تحریکات همزمانه امپریالیسم، چه در داخل و چه در خارج. این فشارها که خود را در تحمیلی یکی از جوانب آنت و ثلغات و ضایعات مسلم ناشی از این جنگ، شرایط زندگی را در کشور متکلی می کند. همه کشورهای که در جریان یک جنگ قرار گرفتند - بخصوص از نوع تحمیلی و با غا لانه - یعنی مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته اند، دشواری ها و مصلب و محرومیت های زیادی داشته اند. این طبیعی است. این مقدار در شرایط تاریخی را می بایستی حساب و تحمل کرد. وقتی ما علیه امپریالیسم مبارز می کنیم می خواهیم امپریالیسم دستش را از کشور ما کوتاه کند، باید به عوارض آن را هم به تنمان بیاوریم. استقلال نمی شود در نظر ظاهر و مبارزاتی که سر- آغاز انقلاب بود جوان ها می رفتند، به خاک و خون می افتادند، جانشان را می دادند. وقتی که در راه مبارزه قرار می شدند جان خودشان را که بزرگترین نرفش دنیا می است. بدهند، صدها هزار نفر قتل شدند، حاضر شدند سلاطین خود را که بزرگترین نعمت زندگی است بدهند، آن وقت محرومیت های مادی در مقابل این مشکلات چنانچه می شود. چگونگی توان انقلاب کرد، برها شد، ولی حتی به چه به از قند قندانم کن نباید. با یک گرم از چای سولمان کم نشود. نمی شود گفت خوراک عصرم نیابستی کم نشود، بهوشاک و ترجم نباید لطمه بخورد.

این دیگر شوخی است. ما دیدیم که در جنگ دوم جهانی کشورهای کمزور تجاوز فاشیسم قرار گرفتند و دفاع دلزورانی هم کردند، نظیر اتحاد شوروی و خلق های کشورهای اروپای شرقی، با چه محرومیت هایی ساختند. شما شاید خوانده باشید که مثلا در لنینگراد در ۹۰ روز محاصره، جیره روزانه کارگری کمزورده چهارده ساعت کار می کرد، و سرانجام به ۸ گرم نان یعنی یک سیر و ۵ متال رسید که از این مقدار فقط ۳۰ درصدش کدم بود، ۷۰ درصدش مخلوط هایی بود از خاک لره و مواد دیگری که ماده غذایی نداشت. تعداد کارگرانی که کمیت میز تراش نانچیک و دیگر وسایل نظامی و دفاعی، از گرسنگی جان دادند و افتادند، یکی و دوتا وصدا و هزارتا نیست، یکصد هزار بود. ولی طبقه کارگر همه این محرومیتها را پذیرفته و خم به ابرو نیاورد. نه فقط در اتحاد شوروی، در چکسلواکی، در یوگوسلاوی، در بلغارستان، در لهستان، در کشور های کمزور تجاوز قرار گرفتند، تحمل کردند، رنج بردند، به مقاومتتا مرز مرگ ادامه دادند و دستکامی نمی کردند. در جامعه ما مسائل و دشواری های که برای طبقه کارگر و زحمتکشان هست، زیاد هم مشکل نیست. اما می بیند

مشکلات نمی شود، زیاد هم می شود. و علاوه بر این، گوشت و تخم مرغ و کره و سایر مواد غذایی که در دسترس او دور می رود. گوشت به کیلویی ۱۵۰ تومان می رسد، و او به یاد دارد که وعده داده بودند که گوشت را با بیست و پنج تومان می شود همجا خرید. به یاد دارد که قیمت گوشت را از ۱۳ تومان بردند به ۲۵ تومان، با این وعده و وعده که همه مردم بتوانند گوشت در اختیار داشته باشند. آن ۲۵ تومان ادعای رسید به ۶ تومان، ۷۰ تومان، ۸۰ تومان و همین طور جاد با لایمی رود و گوشت برای کارگر جماعت بصورت خوب و خیال درمی آید. کارگر مزدبگری که در این دوسال وانی بعد از انقلاب افزایش دستمزد هم داشته، با توجه به سطح کنونی دستمزد او افزایش سرمایه و قیمت ها باعث بزرگی را از لحاظ اقتصادی در زندگی خود احساس می کند. نه تنها کارگران، همزحمتکشان، هممحقق- بگوران این کاهش سطح زندگی را با گوشت و پوستان لیس می کنند. به عمده عاملی که در ایجاد این وضع دخالت دارد، اشاره کردم. عامل اول رابطه کارگر با مقاومت آهنین در مقابل اینستادگی می کند، حاضر است تحمل کند. آگاهانه حاضر است سکنی این بار را بکشد، اما درباره عامل دوم و سوم دیگر حاضر نیست به سرمایه دارهای غارتگر هر روز باج بیشتری بدهد و عوارض آن ندانم کاری و بی لیاقتی مدبران را هم تحمل کند. به این جهت است که ما متقدم حاکمیت کونی با بیستی هر چه مزج ترکیبش را با این دو عامل بسیار زیان بخش هر چه بود در روش بکشد. اگر می خواهد پشتیبانی طبقه کارگر را به طور محکم و بدون تزلزل، تا عهدت های طولانی داشته باشد، اگر می داند کمبود آن پشتیبانی مسلما مقاومت در مقابل انقلاب را برمیساند و رسد به هدفهایی که مقولت های این انقلاب ترار داده، غیر ممکن است، پس ضرورت تاریخی تاخیر ناپذیری در دستور کار اوست. حاکمیت کونی در برابر این کمپوست، یعنی مسئله انتخاب مدیریتی که بتواند سازماندهی و اجرای برنامه ها را به کار سازد می کشاند و از تمام امکانات آن ها با تمام وسوسه ها استفاده کند و دست عوامل ترغیب ناپذیر، تحریک کننده، ضد انقلابی، قشری و انحصارگر را که سد این گروه های همگانی نیروهای سالم جامعه ما هستند، کوتاه کند، با بیست و فووت یک دقیقه تصمیم قاطع و جدی بگیرد. باید تکلیف خودش را با سرمایه داری جایولگر روشن کند و آن چنگال های زبالواری که در گوشت و خون مردم فرورفته است و محصول غارت خود را در بانکها که نه، در صندوقها، در گاومشدها، تانیا ر می کنند و به هزار کلک به خارج می فرستند، قطع کند. البته این مبارزه آسانی نیست. ما می بینیم که مبارزه سختی در مقابل انقلاب ایران است. انقلاب روز به روز عمیق تر می شود، جدی تر می شود. جنبش انقلابی، آگاهی توده های محروم جامعه ملزم تغییراتی که ما هم به هم آن ها اشاره کردیم، هر روز قوی تر می شود. در مقابل مقاومت سرمایه داری، مقاومت لبرالها، مقاومت غارتگران، در اشکال متنوع هر روز شدت و دامنه بیشتری می گیرد. می بینیم که در روستاها فعالیت بزرگ مالکان هر روز بالا می کشد. دستهای مسلح برای خود درست می کنند و به مبارزات دهقانی و روستایی که برای تغییرات بنیادی تلاش می کنند، حمله می کنند، تیر می کشند و از عناصر هر زبان خودشان، عوامل خودشان درحاکمیت، از روحانیت ارتجاعی که در دوران آرمه با رژیم هم همکاری داشتند، استفاده می کنند. به انواع و اقسام علیه هر اقدام انقلابی و مردمی، علیه بندج " علمند " معتقد و کارآمد، برجسبچی می زنند و مسلمانان با حسن نیت و کم تجربه هم می زنند که این می افتد و با آن ها برای سیراننداخت این عناصر متقدم و درست، در شریک مساعی می کنند. از طرف ریخت و پاش، احیاناً تلف و لیس و دوز و کلک های افراد متکوکو ضدانقلابی را هم می بیند که چطور آزادانه به کار خود ادامه می دهند. خوب این نمونه ها را هم طبقه کارگر می داند. یعنی کمبودها، نارسایی ها، ضعف های اداره و مدیریت اقتصادی کشور را هم می بیند. او خواستار رفع این نقصهاست، نقص های که رفع آن ها زیاد هم مشکل نیست. اما می بیند

ارتجاع در طول تاریخ به اشکال مختلف گشوده است

خارج از اراد دوسترس است و بلافاصله نمی شود در آن تپیری داد. این منشا عبارت است از فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی و تحریکات همزمانه امپریالیسم، چه در داخل و چه در خارج. این فشارها که خود را در تحمیلی یکی از جوانب آنت و ثلغات و ضایعات مسلم ناشی از این جنگ، شرایط زندگی را در کشور متکلی می کند. همه کشورهای که در جریان یک جنگ قرار گرفتند - بخصوص از نوع تحمیلی و با غا لانه - یعنی مورد تجاوز مسلحانه قرار گرفته اند، دشواری ها و مصلب و محرومیت های زیادی داشته اند. این طبیعی است. این مقدار در شرایط تاریخی را می بایستی حساب و تحمل کرد. وقتی ما علیه امپریالیسم مبارز می کنیم می خواهیم امپریالیسم دستش را از کشور ما کوتاه کند، باید به عوارض آن را هم به تنمان بیاوریم. استقلال نمی شود در نظر ظاهر و مبارزاتی که سر- آغاز انقلاب بود جوان ها می رفتند، به خاک و خون می افتادند، جانشان را می دادند. وقتی که در راه مبارزه قرار می شدند جان خودشان را که بزرگترین نرفش دنیا می است. بدهند، صدها هزار نفر قتل شدند، حاضر شدند سلاطین خود را که بزرگترین نعمت زندگی است بدهند، آن وقت محرومیت های مادی در مقابل این مشکلات چنانچه می شود. چگونگی توان انقلاب کرد، برها شد، ولی حتی به چه به از قند قندانم کن نباید. با یک گرم از چای سولمان کم نشود. نمی شود گفت خوراک عصرم نیابستی کم نشود، بهوشاک و ترجم نباید لطمه بخورد.

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود.

۳ منشاء عمده فشار بر طبقه کارگر ایران

س: سؤال شده است که کارگران ایران در جنگ تحمیلی، در مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب چه نقشی را ایفا می کنند؟

ج: ما به این سؤال تا حدودی جواب داده ایم که کارگران ایران، در این جنگ که امپریالیسم با دست رژیم ارتجاعی عراق و با حمایت رژیم های مترج منطقه به حمل کرده، چه نقشی دارند. تا سرانجام این جنگ کارگران برای جلوگیری از فشار اقتصادی - سیاسی - نظامی دشمن، باید در حد توانایی و مقدورات خود، به همکاری و از خودگذشتگی ادامه دهند. از

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود.

۳ منشاء عمده فشار بر طبقه کارگر ایران

س: سؤال شده است که کارگران ایران در جنگ تحمیلی، در مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب چه نقشی را ایفا می کنند؟

ج: ما به این سؤال تا حدودی جواب داده ایم که کارگران ایران، در این جنگ که امپریالیسم با دست رژیم ارتجاعی عراق و با حمایت رژیم های مترج منطقه به حمل کرده، چه نقشی دارند. تا سرانجام این جنگ کارگران برای جلوگیری از فشار اقتصادی - سیاسی - نظامی دشمن، باید در حد توانایی و مقدورات خود، به همکاری و از خودگذشتگی ادامه دهند. از

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود

روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود. روزهای انقلاب، رژیم توده را جل نشسته بود.

۳ منشاء عمده فشار بر طبقه کارگر ایران

س: سؤال شده است که کارگران ایران در جنگ تحمیلی، در مبارزه علیه امپریالیسم و ضدانقلاب چه نقشی را ایفا می کنند؟

ج: ما به این سؤال تا حدودی جواب داده ایم که کارگران ایران، در این جنگ که امپریالیسم با دست رژیم ارتجاعی عراق و با حمایت رژیم های مترج منطقه به حمل کرده، چه نقشی دارند. تا سرانجام این جنگ کارگران برای جلوگیری از فشار اقتصادی - سیاسی - نظامی دشمن، باید در حد توانایی و مقدورات خود، به همکاری و از خودگذشتگی ادامه دهند. از

از گزارش هیئت سیاسی شصت و پنجمین کمیته مرکزی کمیته مرکزی حزب توده ایران

دستاوردهای انقلاب ایران

جنبه متحد براندازی می‌کوشد این طور تبلیغ کند که گویا انقلاب ایران با شکست روبرو شده و هیچ چیز به دست نیامده و حتی وضع مردم از دوران سلطه خاندان پهلوی و رژیم ساواک اوضاع بدتر شده است. ولی واقعات سرسخت که هنوز آن قدر زنده هستند گنمی - توان فراموششان کرد عکس این تبلیغات زهرآکین و گمراه کننده را مشاهده می‌دهند. انقلاب ایران در نخستین دو سال زندگی خود، علی‌رغم همه فشارها و همه دشمنان امپریالیست‌ها و ضد انقلاب داخلی، علی‌رغم نقش ترسز - کننده دولت "گام به گام" لیبرال که کارگران امپریالیست در تار و پودش را مافتند و بودند، علی‌رغم تلاش‌ها و داران سلطنت مشروطه و رژیم سلطنتی مشروطه (جنبه ملی - نهضت آزادی)، علی‌رغم کوشش آن نیروها و شخصیت‌های سیاسی و روحانی که می‌کوشیدند انقلاب را در چهار چوب تأمین کامل منافع سودجویانه کلان سرمایه‌داران و بزرگان مالکان نگه دارند. توانست:

رژیم مغفوب و جا بز سلطنتی را به زباله‌دان تاریخ بفرستد؛
حکومت خاندان جنایت پیشه پهلوی و بخش چشم گیری از نوکران و وابستگان کلان سرمایه داران و بزرگان مالکان را که تکیه گاه اصلی آن رژیم را تشکیل می‌دادند، از زندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران قطع کند؛
حاکمیت ساواک جنایتکار را براندازد و هزاران زندانی سیاسی را آزاد سازد؛

بخشی قابل توجهی از جنایتکاران را که علی‌رغم تلاش گام به گام برای فرار دادنشان از کشور به دست نیروهای انقلاب گرفتار شدند، مجازات نماید؛

بخشی از سرمایه‌های غارت شده این جنایتکاران و سایر جنایتکاران فراری را که در ایران به جا مانده بود و در این چارچوب نزدیک به ۷۰ درصد از واحدهای صنعتی بخش خصوصی و همه بانکها سرمایه متعلق غارت شده بازگرداند؛
به تسلط غارتگران و جا برانه امپریالیست‌ها به سرکردگی امپریالیست آمریکا بریت. مهلسک وارد آورد و راه استقلال واقعی را در زندگی سیاسی و اقتصادی بی‌نظمی و فرهنگی کشور بگشاید؛
قرارداد ننگین نواستعماری ایران و آمریکا را پارامکتد، ایران را از پیمان نظامی امپریالیستی سترومیرون آورد و به جرگه کشورهای غیر متعهد وارد سازد؛

دوما هزار زانو و جاسوس آمریکا و انگلیسی و فرانسوی و آلمانی و ژاپنی را که تمام شریان‌های حیاتی زندگی کشور مارا قیضه کرده بودند و خون مردم ما را می‌مکیدند و شرورتهای ملی مارا چهاول می‌کردند به خانه‌ها پشان روان کند؛

بایگامهای نظامی امپریالیست آمریکا را برچیند و ارتش ایران را از زیر سلطه مطلق آرباب‌های آمریکایی خارج سازد؛
خداوندگ و زندانم منطبقه بودن را از چهره مبین عزیز ما بزداید و آنرا به مهد انقلاب بومیکی از دژهای مبارزه علیه امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه مهبل سازد؛

با اقدام تاریخی دانشجویان مسلمان بیروخطا ام در تخمیر ساختن ستاد توده برای براندازی انقلاب ایران یعنی جاسوسخانه آمریکا در تهران، ماسک از چهره مکره امپریالیسم جهانخوار آمریکا و گروهی از دست نشانندگان و

شبکه پایگاههای نظامی آمریکا در سراسر جهان - خطر واقعی برای صلح جهانی، استقلال و آزادی خلقها

در آمریکای لاتین

شماره کتونی:	۱۴۹۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
شماره کشور:	۱۰۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰
پاناما:	۹۰۰۰
پورتو ریکو:	۳۷۰۰
کواتانامو:	۲۲۰۰

در اقیانوس آرام و خاور دور

شماره کتونی:	۱۲۴۴۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
شماره کشور:	۷۰۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰
ژاپن و اوکیناوا:	۴۶۰۰۰
کره جنوبی:	۳۸۸۰۰
فیلیپین:	۱۳۴۰۰
کروم:	۹۱۰۰
استرالیا:	۶۰۰
میشوی:	۵۰۰
دیگر کشورها:	۵۰۰
تاریگان هتم:	۱۰۰۰
(اقیانوس آرام):	۱۵۵۰۰
تغییر در سال:	۷۰۰۰
شماره کشور:	۱۹۸۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰

در دیگر نقاط

شماره کتونی:	۳۱۶۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
شماره کشور:	۴۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰
برمودا:	۱۴۰۰
دیگر کارسیا:	۱۴۰۰
مصر:	۵۰۰
کانادا:	۲۰۰
عربستان سعودی:	۸۰۰
دیگر مناطق:	۵۳۰۰
تاریگان ها:	۲۱۵۰۰
تغییر در سال:	۳۳۶۰۰
شماره کشور:	۱۹۸۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰

امپریالیسم ایالات متحده آمریکا شبکه پایگاههای نظامی خود را در سراسر جهان گسترده است.

چندی پیش، هفتنامه دیو. اس. نیوز اند ورلڈ ریپورتر (شماره ۸۱۵ سی ۱۳۵۹) پیکره‌هایی گویا از شماره سربازان آمریکایی در خارج از کشور چاپ کرد. که در زیر از نظر خوانندگان میگذرد. این پیکره‌ها، هر چند کاملا نیست (شبکه پایگاههای نظامی آمریکا باوجود همه تخریبکاریها و تحریکات دانشدار از طرف ضد انقلاب و تسلیم طلبان، اولین گام‌ها را در راه در پیش گرفتن یک سیاست خارجی که تضمین کننده منافع استقلال میهن باشد، بردارد.

سروابط سیاسی را بادشمن اصلی و شمارمک‌خلق‌های ایران و جهان، امپریالیسم آمریکا و دست نشانندگان مستقیمش: اسرائیل، مصر، آفریقای جنوبی، دولت‌های پادشاهی دست نشانده و وابسته اردن و غرب قطع کند و برعکس رشته‌های دوستی و همکاری را با کشورهای مبارز جنبه‌های مبارز کشورهای مسلمان مترقی عربی مستحکم سازد و گام‌هایی در زمینه‌های دیگر در مناسبات با بعضی از دیگر کشورهای جنبه‌جهانی ضد امپریالیستی بردارد.

در اروپا

شماره کتونی:	۳۳۱۷۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
شماره کشور:	۲۶۰۰
تغییر در سال:	۱۹۸۰
کتونی:	۱۹۸۰

جمهوری فدرال آلمان ۲۴۴۳۰۰
بریتانیا ۲۴۳۰۰
ایتالیا ۱۱۹۰۰
اسپانیا ۹۰۰۰
ترکیه ۵۳۰۰۰
یونان ۴۴۰۰
ایسلند ۲۹۰۰
هلند ۲۶۰۰
بلژیک ۲۱۰۰
پرتغال ۱۴۰۰
دیگر کشورها ۱۲۰۰
تاریگان ششم ۲۳۲۰۰
(در مدیترانه) ۵۱۰۰

با وجود چنین دستاوردهایی باز هم سخن گفتن از اینکه انقلاب ایران با شکست روبرو شده و کاری انجام نداده یا از سو نیت است و یا از بسته بودن چشم و گوش حکایت می‌کند. اهمیت تاریخی این دستاوردها باز هم چشم گیرتر و با اهمیت تری - شود، وقتی در نظر بگیریم که در چه شرایط دشواری حاصل شده‌اند. واقعت این است که نیروهای راستین و وفادار انقلاب این کامیابی‌ها را در نبرد دشوار با مامل دشمن و مخالف و ترسز کننده به دست آورده‌اند. این سه‌عامل عبارتند از:

۱- تلاش دشمن برای ناکام ساختن انقلاب،
۲- تلاش طبقات و اقشار مرفه و استثمارگر برای ترمز کردن پیشرفت انقلاب،
۳- سیاست‌های منفی اشتباهات، مطلق‌گرایی‌ها، قدرت طلبی‌ها و انحصار طلبی‌ها، خودمهوری‌ها در صفوف نیروهای انقلابی که این خود محصول موضع و دیدگاه‌های این نیروهاست.

نمایشگاه ضد امپریالیستی در نیاوند



از طرف هواداران "کانون دانشا موزان ایران" در نیاوند، نمایشگاه ضد امپریالیستی در این شهر تشکیل شد. این نمایشگاه در مدت شش روز برایی خود، مورد استقبال مردم این شهر قرار گرفت.

رسیدگی سریع...

بقیه از صفحه ۵

ما نمی‌توانیم حتی تا بلویش را به طور دقیق بگشیم، دشواری‌ها می‌تواند اشکال فوق‌العاده کوناگونی بنماید و بگرد برای این که در این جا فقط ما نیستیم که تعیین کننده شکل مبارزهایم، بلکه دشمنان هم نقش موثری دارند. شیوه تنها هم آنها، نحوه مبرمگیری از امکانات وسیع نیروهایشان، این که چمنقش - هاسی را بخواهند پیاده بکنند و در مقابل آن قشماهم تودمهای حمتکش، نیروهای انقلابی ایران چه عکس‌العملی نشان بدهند، همه و همه در نحوه شکل‌گیری مبارزه موثر است.

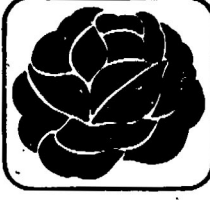
آنچه کمبرای ما مبرم و حیاتی است، بسیار قابل توجه است، اتحاد نیروها - هاست. کارگران آگامایستی در جهت ایجاد زبان مشترک با تمام کارگران، کارگران آگامایستی در جهت ایجاد زبان مشترک با تمام کارگران، اصلاح نیمه پرولتاریا، کارگرانی که تحت تاثیر جوسازی‌ها قرار می‌گیرند، کارگرانی که به دام ضد انقلاب،

ماتوئیت‌ها، لیبرال‌ها، چپ‌روها، می‌افتند، با کارگران مسلمان، کارگران واقعی مسلمان، نه مسلمان‌نماهایی که خودشان را به عنوان نماینده طبقه کارگر جازدماند و هر روز بیشتر قیافه واقعی - شان شناخته می‌شود، با کارگران مبارزی که روتزهای دیگری دارند ولی واقعا

به مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و در درجه اول علیه غارت سرمایه داری معتقدند، کوشش خشکی تا پذیر داشته باشند. این وحدت برای انقلاب مثل آب و هوا برای یک موجود زنده موثر و تعیین کننده است، ما به هیچ وجه نباید اجازه دهیم کفر و مهای مختلف مخالف وحدت یا نا آگاه نسبت به اهمیت وحدت، به موافقتی دست یابند. مذهبی بودن یا بیرو مرام دیگر بودن نباید به این وحدت حیات بخش ضرر برزند، مانع بشود. اصل اساسی در این مرحله اعتقاد به انقلاب است. قشری - گزی، انحصار طلبی، تعصب کورکورانه، خودبینی، نزدیکی بینی نباید بتواند سرنوشته مشترک، محرومیت مشترک، مبارزه مشترک، علائق مشترک کارگران را از چشم آن‌ها بپوشاند. اگر بپوشاند، این ضعف طبقه کارگر است.

ادامه دارد

چاپ جدید تقویم سال نو



بزودی منتشر میشود

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جنبه متحد خلق



وزیران خارجه اتحاد شوروی و کویت: حضور نظامی آمریکا عامل اصلی وخامت اوضاع در منطقه خاورمیانه است

در پایان دیدار وزیران خارجه اتحاد شوروی و کویت در مسکو، اعلامیه مشترک منتشر شد. در این اعلامیه، موضع مشترک دو کشور درباره استقرار ایستگاههای نظامی خارجی در منطقه خلیج فارس، ایجاد مناطق بری از سلاحهای هسته‌ای و مداخله خارجی در امور داخلی کشورهای منطقه تأکید گشت. دو وزیر خارجه «تجاوزات اسرائیل علیه کشورهای عربی» و «تسویه کمپدویوه» را بشدت محکوم کردند. در اعلامیه مشترک وزیران خارجه اتحاد شوروی و کویت، کوشش ایالات متحده آمریکا برای تحویل حضور نظامی خود در خاورمیانه بمنزله «عامل اصلی وخامت اوضاع» توصیف می‌گردد. اتحاد شوروی و کویت خواستار برقراری کنفرانس بین‌المللی درباره خاورمیانه با شرکت سازمان آزادیبخش فلسطین» شدند.

تعمیر ناموفق صدور غله به اتحاد شوروی از جانب آمریکا لغو شد

پرزیدنت ریگان، لغو تصمیم دولت آمریکا را درباره تحریر فروش غلات به اتحاد شوروی اعلام داشت. این تصمیم از سوی پرزیدنت کلر در دیماه ۱۳۵۸ اتخاذ شده بود. ریگان، در جریان مبارزه انتخاباتی، مخالفت خود را با این تصمیم اعلام کرده بود. دفتاران آمریکایی صدها میلیون دلار بخاطر تحریر فروش غلات به اتحاد شوروی زیان بردند. این تصمیم همچنین به اعتبار ایالات متحده در زمینه معاملات بازرگانی لطمه وارد آورد. حتی بسیاری از متحدان آمریکا از شرکت در کارزار تحریر خودداری کردند.

در لبنان امکان گسترش تجاوز گسترده اسرائیل همچنان باقی است

یگزارش خیرگزاری فلسطینی «وقه» روز جمعه، ۴ اردیبهشت ۶۰، تویخته اسرائیل شهر نیطیه را زیر آتش گرفت. همزمان با این حمله، هلیکوپترهای اسرائیلی بر فراز جنوب لبنان به پرواز درآمدند و در حدود ۱۵۰ تانک رژیم صهیونیستی از مرزهای اسرائیل گذشتند و وارد منطقه مرزی شدند، که زیر کنترل جدایی طلبیان است. نماینده سازمان آزادیبخش فلسطین» در شهر سیدا از «امکان تجاوز گسترده اسرائیل» سخن گفت.

سفیر هند در واشنگتن از واگذاری جنگ افزارها به پاکستان انتقاد کرد

سفیر هند در ایالات متحده از تصد کاذب سفینه دربار واگذاری وسیع جنگ افزار به پاکستان انتقاد کرد. وی در گفتگوش با خبرنگاران در سان فرانسیسکو، گفت که این امر باعث ثبات زدایی در جنوب خاوری آسیا و افزایش تنش در این منطقه خواهد شد. در جریان دیدار اخیر آقا شاه، وزیر خارجه پاکستان، از واشنگتن، آمریکا تصد کرد که در پنج سال آینده معادل ۲۶۵ میلیارد دلار اسلحه به پاکستان سپرد. این سلاحها بویژه تهاجمی خواهد بود، از جمله، جنگنده های «اف-۱۶» را دربر خواهد گرفت.

پرقران باد اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ایران در جبهه متحد خلق!

مارلوز ازدواج مریم و وحی پیتا کوچولو از قلکشی یحزب پدرش ۱۱۰۰ ریال ج - ج ۵۰۰۰ ریال م از دماوند ۵۰۰۰ ریال جمع آوری شده در جشن عروسی رفقا م. غ ۲۰۰۰۰ ریال میرک و کارن به حزب نخواهد خود یک نیم سکه جمع آوری در دید و بازدید نوروزی در گرگان ۵۰۶۵۰ ریال نیا - آف ۲۵۰۰ ریال ننی ۵۰۰ ریال سارا از قزوین ۲۰۰۰ ریال جمع آوری عیدی رفتاری تا کستان ۳۰۰۰۰ ریال

کمک مالی به حزب توده ایران
یک وظیفه انقلابی است!

از اراک بابک به حزب پدرش ۵۰۰۰ ریال
اعضاء و هواداران حزب در قشمشیر ۱۰۰۰۰ ریال
بابک ج ۱۰۰۰۰ ریال
رسول ۵۰۰۰ ریال
امیر ۵۰۰ ریال
فرنگ خ ۲۰۰۰ ریال
۴۲

باز هم رسوائی تبلیغات ضد کمونیستی

دولت آمریکا تحریر فروش غله و فسفات طبیعی را به اتحاد شوروی لغو کرد. ریگان رئیس-جمهوری آمریکا درباره علت این تصمیم گفت: «این تحریر می‌رانی بوده و بار سنگین و غیرعادلانه‌ای بر دوش دفتاران آمریکایی گذاشته شده است».

بعد از اعلام تصمیم لغو صدور غله از جانب آمریکا که به بهانه کمک نظامی اتحاد شوروی به افغانستان اتخاذ شده بود، خبرگزاری‌های امپریالیستی به جبار و جنجال پرداختند. آنها چنین تبلیغ می‌کنند که با تحریر صدور غله به شوروی از جانب آمریکا، استرالیا و ژاپن مردم شوروی که در آنجا گویا کمک‌هم پیدا نمی‌شود از گرسنگی لطیان خواهند کرد و شوروی مجبور به ترک افغانستان خواهد شد. خبرگزاری‌های امپریالیستی حتی تبلیغ می‌کنند که دولت شوروی بعد از تحریر صدور غله ششماه بیشتر دوام نمی‌آورد و سقوط خواهد کرد! اکنون که آمریکا و بدنبال آن استرالیا تصمیم خود را ناگزیر لغو کرده‌اند، اعتراف صریح ریگان ما را از هر توضیحی برنیاز می‌کند. و جالب اینکه همزمان با این خبر، یکی از بریا کنندگان آن جنجال گذاشتی یبسی رویتی گزارشی می‌دهد: شوروی با ارسال گندم به نیکاراگوئه جبران قطع کمک آمریکا را به آن کشور می‌کند (کیهان - ۵ اردیبهشت ۶۰)

انقلابیون ایرلند هم «جنایتکار»ند!

خانم مارگارت تاچر نماینده امپریالیسم جنایتکار انگلستان، به سیاق بانکرها، پسر عموهای جنایتکار خون انقلابیون ایرلند شمال را «جنایتکار» خواند. درحالیکه پنجاه و پنج روز از اقصای فدای پایب سفینه مبارز ایرلندی، در زندان میگذرد، خانم تاچر او و دیگر مبارزان ایرلندی را «جنایتکار» خوانده است. «دبایب‌سنده» اخیراً از طرف مردم ایرلند به نمایندگی پارلمان انگلیس انتخاب شده است. این درفتنای‌های خانم تاچر در حالی منتشر میشود که پلیس و ارتش انگلستان در ایرلند به کشتار مردم این کشور مشغولند. نخست‌وزیر انگلستان، ضمن مخالفت شدید با شناخته شدن چریکهای زندانی ایرلند بعنوان زندانی سیاسی گفته است: «زندانیان عضو ارتش جمهوری خواه ایرلند همانند جنایتکاران قلمی می‌شوند» (جمهوری اسلامی - ۵ اردیبهشت ۶۰)

رسانه‌های گروهی انگلستان، که بعدت ۸ روز «آزادانه» درباره وقایع خونین اخیر ایرلند سکوت کامل کرده بودند، با انتشار این درفتنای‌ها سکوت را شکستند و بار دیگر نشان دادند که در انگلستان «آزاد» کامل وجود دارد، مستها برای سرپوش گذاشتن بر مبارزات خلق‌ها و آنگساکه جنایتکار خواندن انقلابیون!

قیمت «وطن» ضیاء الحق

سرانجام بعد از يك سال چانه‌زنی بر سر قیمت «وطن» و ژنرال ضیاء الحق، آقا شاه وزیر امور خارجه رژیم دیکتاتوری پاکستان و الکساندر هیک همپالک آمریکایی او، به توافق رسیدند. ابتدا که این مذاکرات در سال گذشته آغاز شد، دولت کلر قیمت رژیم ضیاء الحق را ۴۰۰ میلیون دلار تعیین کرد. ژنرال ضیاء الحق با آن مخالفت کرد و آن را رد نمود.

(نیویورک تایمز - به نقل از صبح آزادگان ۵ اردیبهشت ۶۰) جالب اینجاست که وزیر امور خارجه وقت ایران، این مخالفت ضیاء الحق را نشانه «مبهره‌رستی و استقلال» ژنرال فاضل و هرکس از وابستگی رژیم ضیاء الحق به امپریالیسم یانکی سخن گفت، با این «استدلال» روبرو شد که، ضیاء الحق «کمک چهارصد میلیون دلاری را رد کرد و بنابراین وابسته نیست».

بعد از این «مخالفت» ژنرال، چانه‌زنی آغاز شد و سرانجام آقا شاه، وزیر امور خارجه پاکستان، که واسطه این مین‌فروشی است، بعد از سفر اخیرش به آمریکا، اعلام کرد که بمصلحت انجام شده است. او گفت:

«طبق پیشنهاد دولت ریگان آمریکا بعدت پنج‌سال، سالی هفتصد میلیون دلار کمک نظامی به پاکستان می‌کند. دولت ریگان اعلام کرده است که پس از گذشت اولین سال قرارداد آمریکا مشتاق مذاکرات بیشتری جهت ارائه تسهیل در قیمتت به پاکستان است» (صبح آزادگان - ۵ اردیبهشت ۶۰)

آقا شاه، در ادامه سخنان خود ثابت کرد که واقعا رژیم‌پاکستان «مستقل» است:

«ما معتقدیم که دولت جدید آمریکا قصد واقعی دفاع از استقلال پاکستان را دارد».

و این «استقلال»، که به مبلغ هفتصد میلیون دلار خریداری شده و «دفاع» آمریکا از آن تنها و تنها به این معنا است که رژیم ضیاء الحق پاکستان را بطور درستی در اختیار امپریالیسم جهانی، بسرگردگی آمریکا گذاشته است، تا از این پایگاه علیه خلق‌های منطقه استفاده شود. حتی نیویورک تایمز هم اعتراف می‌کند که مسلح کردن پاکستان علیه افغانستان و هند است. اگر ایران و فلسطین را هم به این فهرست اضافه کنیم، روشن می‌شود که ضیاء الحق چگونه بمصلحت بزرگی در منطقه تبدیل میشود. خطری که قبل از همه ایران انقلابی باید در مقابل آن هشدار و آماده و متحد باشد.

مرغ طوفان به آشیانه بازگشت

سرانجام مرغ طوفان، بعد از سه سال تبعیضی و انقلابی‌نمایی تحملش تمام شد و به آشیانه اصلی خود یعنی بقایای دربار منور پهلوی پناه برد تا شاید در آغوش شاه جوان، کمی تسکین پیدا کند. شاپور بختیار که سالها بمستور سبزه چنین وانمود می‌کرد که با سلطنت مخالفت است و سوسیال دمکراسی را بهترین شیوه حکومت می‌داند، هنگامیکه از جانب آمریکا برای نجات رژیم منور پهلوی فراخوانده شد بیشتر از پیشتر به تبلیغ این اندیشه پرداخت که گویا او با سلطنت مخالف بود و خواهان برقراری سوسیال دمکراسی است - هرچند که هر دو سر و ته یک ریگ باشند - مرغ طوفان بعد از فرار از ایران هم به تبلیغ این اندیشه پرداخت تا شاید بتواند کسانی را بفریبد. چندان طوفی تکتبید که توکر برمختار پی برد که خنابش برای مردم انقلابی ما رنگی ندارد. این بود که بناچار به آشیانه اصلی خود برگشت و به گزارش رادیو کلن: «بختیار در دیداری که اخیراً بمعوت سادات از مسر بمصل آورد رسماً به جبهه سلطنت طلبان پیوست و پشتیبانی خود را از سلطنت پس شاه یعنی رضا پهلوی اعلام کرد» (کیهان - ۵ اردیبهشت ۶۰)

یوستن مرغ طوفان به جبهه سلطنت طلبان از جایی تشنه رسوائی مزدورانی چون بختیار است که ناچار می‌شوند به بقایای خاندان منور پهلوی پیوندند و از جانب دیگر نشان‌دهنده این است که ضدانقلابیون ایرانی در خارج کشور و از جمله زیر جتر سادات خائن متشکل می‌شوند تا بتوانند آب رفته را بیجوی بازگردانند. البته از قدیم گفته‌اند: - شتر در خواب بیند...

هزاران زن با شعار مرگ بر آمریکا راه پیمائی کردند

هزاران نفر از زنان تهران دعوت چندین حزب، گروه، سازمان و جمعیت که روز توله فاطمه زهرا، دخت گرامی پیامبر اسلام را بعنوان روز زن برگزار می‌کنند، دیروز در تهران راه پیمائی کردند. به گزارش خبرنگاران «فامه» مردم هزاران زن که عصر دیروز از دو مسیر تعیین شده راه پیمائی را آغاز کرده بودند در شعارهای خود عزم خویش را برای ادامه مبارزه با امپریالیسم آمریکا دشمن اصلی خلق‌های ایران اعلام داشتند. زنان که بسیاری از آنها کودکان خردسال خود را در آغوش داشتند با شور و خروش شعار می‌دادند: - خمینی رهبر، آمریکا دشمن گردید.

میتینگ تحریک آمیز فاشیست‌ها در بریتانیا

در شهر گریوزلند (بریتانیا) صدها آسیای‌الاسل علیه یک میتینگ سازمان فاشیستی جبهه ملی، به تظاهرات دست‌زدند. حتی پلیس، که ماموریت محافظت از فاشیست‌ها را داشته، مجبور به اعتراف شد که میتینگ «جبهه ملی» «تحریک آمیز» بوده است. در برخورد میان طرفین چندین نفر مجروح و ۲۰ تن دستگیر شدند.

برگزاری انتخابات در کامپوچیا

یگزارش خیرگزاری کامپوچیا، انتخابات «مجلس ملی» این کشور روز ۱۱ اردیبهشت (اول مه) برگزار خواهد شد. هم‌اکنون توده‌های وسیع مردم کامپوچیا خود را برای این انتخابات آماده می‌کنند.

رکورد بیکاری در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته پس از جنگ دوم جهانی

در کشورهای سرمایه‌داری رشد یافته، بیکاری به سطحی رسیده است، که پس از جنگ دوم جهانی بی‌سابقه است. به گزارش «فورتر»، اینک در ۲۴ کشور عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، بیش از ۲۵ میلیون نفر رسماً بیکارند.

نامه مردم
ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر یزدانی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

(دفتر «نامه مردم» هنوز در اختیار «نامه مردم» نیست)
چاپ: کاویان

NAMEH MARDOM
No. 496
26 April 1981

Price: West-Germany 0.80 DM
France 2 Fr.
Austria 8 Sch.
England 20 P.
Belgium 10 Fr.
Italy 350 L.
U.S.A. 40 Cts
Sweden 1.50 Skr.

خوانندگان گرامی «نامه مردم» و همهٔ مقامات دولتی و غیردولتی میتوانند «آدم‌نویزی» یا «نامه مردم» مکاتبه کنند:
صندوق پستی ۴۱/۳۵۵۱ منطقه ۱۴ پستی تهران